

فصل اول

طهارت (پاکیزگی)

طهارت در لغت به معنای نظافت و پاکیزگی از هر نوع نجاست است و در اصطلاح عبارت است از رفع بی وضویی یا برداشتن نجاست*.

1- انواع آبها:

هر آبی که از آسمان فرود آید و یا از زمین خارج شود پاک کننده است :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا) (فرقان : 48)

«و ما هستیم که از آسمان آب پاک و پاک کننده را نازل می گردانیم».

و به دلیل فرموده پیامبر r درباره دریا : (هو الطهور ماؤه، الحل میتته) [6]. «آب آن پاک کننده و مردار آن حلال است».

و به دلیل فرموده پیامبر r درباره آب چاه : (إن الماء طهور لا ینجسه شی) [7]. «آب پاک کننده است و هیچ چیزی آن را نجس نمی کند».

اگر چیزی پاک با آب آمیخته شود، در صورتی که نام آن از حالت اصلی خارج نشود، بصورت پاک کننده باقی خواهد ماند. به دلیل فرموده پیامبر r به زنانی که خواستند دخترش را (برای دفن) تجهیز کنند : (اغسلنها ثلاثاً أو خمساً أو أكثر من ذلك إن رأیتن، بماء و سدر، واجعلن فی الآخرة کافوراً أو شیناً من کافور) [8]. «او را سه یا پنج بار یا اگر لازم دانستید بیشتر از آن با آب و سدر بشویید و در آخرین بار کافور یا مقداری از آن را در آب قرار دهید».

به محض داخل شدن نجاست در آب، به نجس بودن آن حکم نمی شود مگر وقتی که آب تغییر کند.

به دلیل حدیث ابوسعید که گفت : (قیل یا رسول الله أنتوضا من بئر بضاعة؟ وهی بئر یلقى فیها حیض ولحوم الکلاب والنتن، فقال r : الماء طهور لا ینجسه شی) [9]. «گفته شد ای رسول خدا : آیا از چاه بضاعه وضو بگیریم؟ و آن چاهی است که پارچه آلوده به خون

حیض و لاشه سگها و چیزهای گندیده در آن انداخته می‌شود، پیامبر r فرمود: آب پاک کننده است و هیچ چیزی آن رانجس نمی‌کند».

فهرست

2- نجاسات:

نجاسات جمع نجاست است و آن هر چیزی است که صاحبان طبع سلیم آن را ناپاک دانسته و خود را از آن حفظ کنند و اگر لباسشان به آن آلوده شود آن را می‌شویند. مانند مدفوع و ادرار.^[10]

اصل در اشیاء، مباح بودن و پاکی آنهاست؛ پس اگر کسی گمان کرد که چیزی نجس است، برای اثبات نجس بودن آن باید دلیل بیاورد، و اگر دلیل بر نجس بودن آن وجود نداشته باشد یا دلیلی وجود داشته باشد ولی در حد حجیت نباشد، باید آنرا به اصل حمل کرده و پاک بداند.^[11] چون حکم به نجاست، حکمی تکلیفی است و بدون دلیل حکم به نجاست چیزی جایز نیست.^[12]

از جمله چیزهایی که نجس بودن آنها از روی دلیل ثابت است عبارتند از :

1 و 2- ادرار و مدفوع انسان:

دلیل نجس بودن مدفوع حدیث ابوهریره است که پیامبر r فرمود: (إِذَا وَطِئَ أَحَدُكُمْ بِنَعْلِهِ الْأَذَى فَإِنَّ التُّرَابَ لَهُ طَهْرٌ)^[13] «هرگاه یکی از شما با کفشش روی ناپاکی رفت خاک برای (کفش) او پاک‌کننده است».

«الأذى»: هر چیزی که باعث اذیت شود مانند نجاست و أشغال و سنگ و خارک و غیره.^[14] و منظور از «أذى» در حدیث همچنانکه واضح است نجاست است.

و اما دلیل نجس بودن ادرار حدیث انس است که گفت: (أَنَّ أَعْرَابِيًّا بَالَ فِي الْمَسْجِدِ فَقَامَ إِلَيْهِ بَعْضُ الْقَوْمِ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ r: دَعُوهُ وَلَا تَزْرُمُوهُ، قَالَ: فَلَمَّا فَرَّغَ دَعَا بَدَلُو مِنْ مَاءٍ فَصَبَهُ عَلَيْهِ)^[15] «یک نفر اعرابی (صحرا نشین) در مسجد ادرار کرد بعضی از مردم به سوی او بلند شدند (تا او را منع کنند). پیامبر r فرمود: او را به حال خود رها کنید و باعث حبس ادرارش نشوید. انس گفت: وقتی تمام شد (پیامبر) سطلی آب درخواست کرد و آن را بر محل ادرار ریخت».

3 و 4- مَذِيٌّ وِوَدِيٌّ:

مذی: آب سفید و رقیق و لزجی است که هنگام شهوت، بدون احساس لذت و فوران خارج می‌شود، بدون اینکه به دنبال آن سستی در بدن ایجاد شود و گاهی خروج آن حس نمی‌شود، زن و مرد مذی دارند.^[16]

مذی نجس است و بهمین دلیل پیامبر r دستور داده تا با خروج آن، آلت تناسلی شسته شود:

از علی رضی الله عنه روایت است که گفت: (كنت رجلا مذاء، و كنت أستحيى أن أسأل النبي ﷺ بمكان ابنته، فأمرت المقداد بن الأسود فسأله فقال: يغسل ذكره و يتوضأ) [17] «مردی بودم که مذی زیادی از من خارج می شد و به خاطر جایگاه دختر پیامبر ﷺ شرم داشتم از پیامبر ﷺ سؤال کنم به مقداد بن أسود گفتم تا از او سؤال کند، پس پیامبر ﷺ فرمود: آلت تناسلیش را بشوید و وضو بگیرید».

اما ودی: آب سفید و غلیظی است که بعد از ادرار خارج می شود [18] و نجس است:

از ابن عباس روایت است که گفت: (المني والودي و المذي، أما المني فهو الذي منه الغسل و أما الودي و المذي فقال: اغسل ذكرک او (*) مذاکیرک و توضأ وضوءک للصلاة) [19] «منی و ودی و مذی، اما منی چیزی است که با خارج شدن آن غسل واجب می شود و اما درباره ودی و مذی گفت: آلت تناسلیت یا بیضه هایت را بشوی و سپس مانند وضوی نمازت وضو بگیر».

فهرست

5- سرگین (فضلات) حیوانی که گوشتش خوردنی نیست:

از عبدالله روایت است که گفت: (أراد النبي ﷺ أن يتبرز، فقال « انتنى بثلاثة أحجار، فوجدت له حجرين وروثة حمار، فأمسك الحجرين وطرح الروثة وقال: هي رجس) [20] «پیامبر ﷺ خواست برای قضای حاجت دور شود فرمود: سه سنگ برایم بیاور، من هم دو سنگ و سرگین الاغی را پیدا کردم و برایش بردم، پیامبر دو سنگ را برداشت و سرگین را دور انداخت و فرمود این نجس است».

6- خون حیض:

از اسماء دختر ابوبکر روایت است: (جاءت امرأة إلى النبي ﷺ فقالت: إحدنا يصيب ثوبها من دم الحيض كيف تصنع؟ فقال: تحته ثم تقرصه بالماء ثم تنضحه، ثم تصلى فيه) [21]. «زنی نزد پیامبر ﷺ آمد و گفت: اگر لباس یکی از ما به خون حیض آلوده شد، چکار باید بکند؟ پیامبر ﷺ فرمود: آن را از لباسش بزداید و سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند».

7- آب دهان سگ:

از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرمود: (ظهور إناء أحدكم إذا ولغ فيه الكلب أن يغسله سبع مرات أولاهن بالتراب) [22] «طریقه‌ی پاک کردن ظرف (کاسه) یکی از شما، زمانی که سگ در آن لیسید، چنین است که باید هفت بار آن را بشوید، بار اول با خاک».

8- مردار:

مردار حیوانی است که بدون ذبح شرعی بمیرد، به دلیل فرموده پیامبر ﷺ: (إذا دبغ الإهاب فقد طهر) [23] «اگر پوست مردار دباغی شد پاک می شود» إهاب، پوست مردار را گویند.

موارد زیر از حکم مردار مستثنی هستند:

1- مردار ماهی و ملخ :

به دلیل حدیث ابن عمر (رض) که گفت : پیامبر r فرمود : (أحلت لنا میتان ودمان : أما المیتان فالحوت والجراد وأما الدمان فالکبد و الطحال)^[24] «دو نوع مردار و دو نوع خون برای ما حلال شده‌اند : دومردار عبارتند از مردار ماهی و ملخ، و دو خون عبارتند از کبد و طحال».

2- مردار چیزی که خون روان ندارد مانند مگس، مورچه، زنبور عسل و مانند اینها :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا وقع الذباب فی إناء أحدکم فلیغمسه کله ثم لیطرحه، فإن فی إحدى جناحیه داء وفی الآخر شفاء)^[25] «هرگاه مگس در ظرف یکی از شما افتاد، تمام آنرا در مایع ظرف فرو ببرید، سپس آن را دور بیاندازید، چون در یکی از بالهایش بیماری و در دیگری شفا است».

3- استخوان، شاخ، سم(ناخن)، مو و پَر مردار همگی پاک هستند چون اصل در آن پاکی است. و به دلیل روایت معلقی که بخاری آورده است^[26]. او می‌گوید :

زهري درباره استخوان حیوانات مرده‌ای - چون فیل و غیره - گفت : (أدرکت ناسا من سلف العلماء یمتشطون بها و یدهنون فیها، لایرون به بأسا). «افرادی از علمای سلف را دیدم که با آن (استخوان فیل) شانه می‌کردند و در آن روغن نگهداری می‌کردند و در بکار بردن آن گناهی نمی‌دیدند».

حماد می‌گوید : پر مردار نجس نیست.

فهرست

چگونگی پاک کردن نجاست:

بدان، شارعی که اشیاء نجس و نجس شده را به ما معرفی کرده است، کیفیت پاک کردن آنها را نیز به ما یاد داده است و تنها چیزی که بر ما واجب است اینست که دنبال‌رو فرمان او و اجراکننده او امر او باشیم. بعضی از نجاسات برای اینکه پاک شوند، لازم است طوری شسته شوند که رنگ، بو و طعم آنها از بین برود؛ ولی برای پاک کردن بعضی دیگر از نجاسات ریختن یا پاشیدن آب و یا کندن نجاست و یا مسح کردن زمین و یا تنها راه رفتن بر زمین پاک، کافی است. بدان که آب در پاک کردن نجاسات اصل است چون شارع این وصف را به آن داده و فرموده است :

(خلق الله الماء طهورا)^[27] «خداوند آب را پاک کننده خلق کرد» برای پاک کردن نجاسات نمی‌توان غیر آب را جایگزین آن کرد، مگر اینکه شارع دستور دهد؛ چراکه با

این کار چیزی را که پاک‌کنندگی آن معلوم نیست جایگزین چیزی می‌کنیم که پاک‌کنندگی آن معلوم است، و این برخلاف مقتضای شریعت است.

حال که این نکته را فهمیدی، دستورات شرعی را درباره چگونگی پاک کردن چیزهای نجس یا نجس شده را بیان می‌کنم:

1- پاک کردن پوست مردار به وسیله دباغی :

از ابن عباس روایت است : از پیامبر r شنیدم که می‌فرمود : (أَيُّهَا دَبَّغُ فَقَدْ طَهَّرَ)^[28]. «هر پوستی که دباغی شود، پاک می‌شود».

2- پاک کردن ظرفی که سگ آنرا لیسیده است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (طَهَّرُوا إِنَاءَ أَذْكَمِ إِذَا وَلَغَ فِيهِ الْكَلْبُ أَنْ يَغْسِلَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ أَوْ لَاهُنَ بِالْتَرَابِ)^[29]. «پاکی ظرف هر یک از شما وقتی که سگ آن را لیسید این است که هفت بار آن را بشوید، اولین بار با خاک».

3- پاک کردن لباس آغشته به خون حیض :

از اسماء بنت ابوبکر (رض) روایت است : (جاءت امرأة إلى النبي r فقالت : إحدانا يصيب ثوبها من دم الحيضة كيف تصنع؟ فقال : تحته ثم تقرصه بالماء، ثم تنضح، ثم تصلی فيه)^[30]. «زنی نزد پیامبر r آمد و گفت : اگر لباس یکی از ما به خون حیض آلوده شد چکار باید بکند؟ پیامبر r فرمود : باید آن را از لباسش بزداید و سپس با نوک انگشتان و آب آن را بشوید و سپس بر روی آن، آب بریزد و در آن نماز بخواند».

اگر بعد از این کار اثری از خون باقی ماند، اشکالی ندارد :

از ابوهریره روایت است که خوله بنت یسار گفت : (یا رسول الله، لیس لی إلا ثوب واحد و أنا حیض فیه؟ قال فإذا طهرت فاغسلی موضع الدم ثم صلی فیه، قالت یا رسول الله. إن لم یخرج أثره؟ قال : یکفیک الماء و لا یضرک أثره)^[31] «ای رسول خدا، غیر از یک لباس، لباس دیگری ندارم و در همان لباس به حیض می‌افتم؟ فرمود : وقتی پاک شدی محل آغشته به خون را بشوی سپس در آن نماز بخوان، گفتم ای رسول خدا اگر اثرش از بین نرفت چکار کنم؟ فرمود : کافی است بر آن آب بریزی، اثر آن اشکالی ندارد».

4- پاک کردن دامن لباس زن:

از ام ولد ابراهیم بن عبدالرحمن بن عوف روایت است که او از ام سلمه همسر پیامبر r سؤال کرد و گفت : (انی امرأة أطیل ذیلی و أمشی فی المكان القدر؟ فقالت أم سلمة : قال النبي r : یطهره مابعدہ)^[32]. «من زنی هستم که پایین دامنم را دراز می‌کنم و از محلی که

نجاست در آن هست عبور می‌کنم؟ ام سلمه گفت: پیامبر r فرمود: آنچه بعد از نجاست است (خاک) آنرا پاک می‌کند».

5- پاک کردن لباس از ادرار طفل شیرخوار:

از ابوسمخ خادم پیامبر r روایت است که پیامبر r فرمود: (یغسل من بول الجارية و یرش من بول الغلام)^[33] «ادرار دختر بچه (شیرخوار) شسته شود ولی برای پاک کردن ادرار پسر بچه (شیرخوار) کافی است که روی آن آب پاشیده شود».

6- پاک کردن لباس از مزی:

از سهل بن حنیف روایت است که گفت: بر اثر خروج مزی زیاد و غسل کردن زیاد دچار رنج و سختی شدم، وضعیت خود را برای پیامبر r بازگو کردم، پیامبر r فرمود: (إنما یجزیک من ذلک الوضوء) «کافی است که بعد از خروج آن وضو بگیری، گفتم ای رسول خدا آن قسمتی از لباسم را که به مزی آلوده شود چکار کنم؟ فرمود: (یکفیک أن تأخذ کفا من ماء فتتضح به ثوبک، حیث تری أنه قد أصاب منه)^[34]. «کافی است مستی آب به جایی از لباست که گمان می‌کنی به مزی الوده شده، پاشی».

7- پاک کردن زیر کفش:

از ابوسعید t روایت است که پیامبر r فرمود:

(إذا جاء أحدکم المسجد فلیقلب نعلیه و لینظر فیهما فإن رأى خبثا فلیمسسه بالأرض ثم لیصل فیهما)^[35] «هرگاه یکی از شما به مسجد آمد کفشهایش را وارونه کرده به زیر آنها نگاه کند، اگر نجاستی را دید، آنرا به زمین بمالد و سپس در آنها نماز بخواند».

8- پاک کردن زمین:

از ابوهریره t روایت است که گفت: (قام أعرابی فبال فی المسجد، فتناوله الناس، فقال لهم النبی r دعوه، و هریقوا علی بوله سجلا من ماء – أو ذنوبا من ماء – فإنما بعثتم میسرین و لم تبعثوا معسرین)^[36] (شخصی اعرابی (صحرائشین) بلند شد و در مسجد ادرار کرد، مردم خواستند او را منع کنند پیامبر r به آنان فرمود: او را به حال خود بگذارید سپس بر ادرارش دلویی از آب بریزید، چرا که شما مبعوث شده‌اید تا سهل‌گیر باشید نه سخت‌گیر».

پیامبر r به ریختن آب بر ادرار او امر کرد تا در پاک شدن زمین شتاب شود، و اگر محل نجاست به حال خود رها می‌شد تا اینکه خشک شود و اثر نجاست از بین رود، پاک می‌شد. به دلیل حدیث ابن عمر (رض) که گفت: (كانت الکلاب تبول فی المسجد و تقبل و تدبر زمان رسول الله r فلم یكونوا یرشون شیئا)^[37]. «در زمان پیامبر r سگها در مسجد ادرار و رفت و آمد می‌کردند و هیچگاه (بر محل ادرارشان) چیزی نمی‌ریختند».

سنتهای فطرت:

از ابوهریره روایت است که پیامبر² فرمود: **(خمس من الفطرة : الإستحداد)** [38] و **الختان، و قص الشارب، و نتف الإبط و تقليم الأظفار** [39] «پنج چیز از فطرت است؛ تراشیدن موهای زیر ناف، ختنه کردن، کوتاه کردن سبیل، کندن موی زیر بغل و کوتاه کردن ناخنها».

از زکریا بن ابی زائده از مصعب بن شبیه از طلق بن حبيب از ابن زبیر از عائشه روایت است که گفت: پیامبر² فرمود: **(عشر من الفطرة : قص الشارب، وإعفاء اللحية، والسواك و استنشاق الماء و قص الأظفار و غسل البراجم)** [40]، و **نتف الإبط، و حلق العانة، و انتقاص الماء - یعنی الإستنجاء - قال زكريا : قال مصعب : و نسيت العاشرة إلا أن تكون المضمضة** [41] «ده چیز از فطرت است؛ کوتاه کردن سبیل، گذاشتن ریش، سواک، آب در بینی کردن، کوتاه کردن ناخنها، شستن بندهای انگشتان، کندن موی زیر بغل، تراشیدن موی زیر ناف، استنجاء با آب، زکریا گوید: مصعب گفت: دهمی را فراموش کردم گمان می‌کنم مضمضه باشد».

ختنه کردن:

ختنه برای مرد و زن (*) واجب است چون از شعائر اسلام است و پیامبر² به مردی که اسلام آورده بود فرمود: **(ألق عنك شعر الكفر و اختتن)** [42] «موی کفر را از خودت بردار و خودت را ختنه کن».

ختنه کردن از شریعت ابراهیم است: از ابوهریره^t روایت است که پیامبر² فرمود: **(اختتن إبراهيم خليل الرحمن بعد ما أتت عليه ثمانون سنة)** [43] «ابراهیم خلیل الرحمن بعد از آنکه هشتاد سال از عمرش گذشته بود، ختنه کرد» و خداوند به پیامبرش محمد² فرمود:

(ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا) (نحل : 123)

«سپس به تو (ای رسول خدا) وحی کردیم که از دین حنیف ابراهیم پیروی کن».

مستحب است که ختنه در روز هفتم ولادت باشد:

به دلیل حدیث جابر که گفت: **(أن رسول الله^r عقی عن الحسن و الحسين و ختنهما لسبعة أيام)** [44] «پیامبر² در روز هفتم ولادت حسن و حسین عقیقه داد (ولیمه‌ای که به مناسبت تولد فرزند داده می‌شود) و آنها را ختنه کرد».

ابن عباس گوید: **(سبعة من السنة في الصبي يوم السابع : يسمي و يختن)** [45]. «در روز هفتم تولد نوزاد، هفت چیز سنت است: اینکه نامگذاری و ختنه شود...».

اگرچه در سندهای این دو حدیث ضعف هست اما یکی از آنها دیگری را تقویت می‌کند؛ چون مخرج آنها مختلف و در آنها راوی متهم وجود ندارد.^[46]

گذاشتن ریش:

گذاشتن ریش واجب و تراشیدن آن حرام است؛ چون تغییر خلقت خدای به حساب می‌آید، و از عمل شیطان است که گفته است:

(وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيُعَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ) (نساء : 119)

«و به آنان دستور می‌دهم تا خلقت خدایی را تغییر و دگرگون کنند».

تراشیدن ریش مشابهت به زنان است و پیامبر r مردانی را که خود را شبیه به زنان می‌کنند لعنت کرده است: (لعن رسول الله r المتشبهين من الرجال بالنساء).^[47]

پیامبر r به گذاشتن ریش امر فرموده است و امر چنانکه معلوم است بر وجوب دلالت می‌کند:

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود: (جزوا الشوارب و أرخوا اللحي، خالفوا المجوس)^[48]. «سبیل‌هایتان را کوتاه کرده و ریش‌هایتان را بگذارید و (با این کار) با مجوس مخالفت کنید».

از ابن عمر (رض) روایت است که پیامبر r فرمود:

(خالفوا المشركين، وفرخوا اللحي، وأحفوا الشوارب)^[49]. «با مشرکین مخالفت کنید، ریش‌هایتان را گذاشته و سبیل‌هایتان را کوتاه کنید».

سواک زدن:

سواک^[50] زدن در هر حالت مستحب است لیکن در موارد زیر بیشتر به آن تأکید شده است:

1- هنگام وضو:

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود:

(لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك مع الوضوء)^[51] «اگر بر امتم احساس دشواری نمی‌کردم، آنان را هنگام وضو به سواک زدن امر می‌کردم».

2- هنگام نماز:

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود:

(لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك عند كل صلاة)^[52] «اگر بر امتم احساس دشواری نمی‌کردم، آنان را هنگام هر نمازی، به سواک زدن امر می‌کردم».

3- هنگام قرائت قرآن :

از علی t روایت است که : پیامبر r ما را به سواک زدن امر کرد و فرمود : (إن العبد إذا قام يصلي أتاه ملك فقام خلفه يستمع القرآن ويدنو، فلا يزال يستمع و يدنو حتى يضع فاه على فيه، فلا يقرأ آية إلا كانت في جوف الملك) [53] «وقتی که انسان برای نماز قیام می‌کند، فرشته‌ای نزد او آمده، پشت سر او می‌ایستد و به قرآن گوش فرا می‌دهد و به او همچنان نزدیک می‌شود تا دهنش را روی دهن او (نمازگزار) قرار می‌دهد. هیچ آیه‌ای را نمی‌خواند مگر اینکه آن آیه در درون ملک قرار می‌گیرد».

4- هنگام ورود به خانه :

از مقدم بن شریح از پدرش روایت است : از عایشه سؤال کرده و گفتم : (بأی شیء كان يبدأ النبي r إذا دخل بيته؟ قالت : بالسواك) [54] «پیامبر r وقتی وارد خانه می‌شد، شروع به چه چیزی می‌کرد؟ گفت به سواک زدن».

5- شب، هنگام بیدار شدن (برای تهجد)

از حذیفه t روایت است : (كن رسول الله r إذا قام ليتهجد يشوص فاه بالسواك) [55] «پیامبر r وقتی که برای تهجد بلند می‌شد دهان (و دندانهایش) را سواک می‌زد».

فهرست

کراهت کندن موی سفید:

از عمرو بن شعیب از پدرش از جدش روایت است که پیامبر r فرمود : (لاتنقوا الشيب، ما من مسلم يشيب شيبة في الإسلام إلا كانت له نورا يوم القيامة) [56] «موی سفید را نکنید. چون هر مویی که مسلمان در اسلام سفید می‌کند، در روز قیامت برای او نوری خواهد شد».

تغییر موی سفید به وسیله حناء و کتم (نوعی رنگ گیاهی) و مانند اینها و حرام بودن رنگ سیاه :

از ابوذر t روایت است که پیامبر r فرمود :

(إن أحسن ما غيرتم به الشيب الحناء و الكتم) [57] «بهترین چیزی که با آن موی سفید را تغییر می‌دهید حناء و کتم است».

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود :

(إن اليهود و النصارى لا يصبغون فخالقوهم) [58] «یهود و نصاری موهایشان را رنگ نمی‌کنند، پس شما با آنها مخالفت کنید (موهایتان را رنگ کنید)».

از جابر t روایت است که گفت : (أتى بأبى قحافة يوم فتح مكة و رأسه و لحيته كالثغامة بيضا، فقال رسول الله r : غيروا هذا بشيء واجتنبوا السواد) [59] «روز فتح مکه ابوقحافه را نزد پیامبر r آوردند در حالی که سر و ریشش مانند ثغامه (گیاهی با شکوفه‌های سفید) سفید بود. پیامبر r فرمود : این موی سفید را با چیزی تغییر دهید و از رنگ سیاه بپرهیزید».

از ابن عباس (رض) روایت است که پیامبر r فرمود :

(يكون قوم يخضبون فى آخر الزمان بالسواد كحواصل الحمام لايريحون رائحة الجنة) [60] «قومی در آخر زمان پیدا می‌شوند که مانند چینه‌دان کبوتران موی‌هایشان را رنگ می‌کنند و بوی بهشت به مشامشان نمی‌رسد».

فهرست

آداب دستشویی:

1- مستحب است کسی که می‌خواهد وارد دستشویی شود بگوید : (بسم الله اللهم انى أعوذ بك من الخبث و الخبائث) «به نام خدا، خداوندا پناه می‌برم به تو از شر شیاطین نر و ماده». به دلیل حدیث علی t که پیامبر r فرمود : (ستر ما بين الجن و عورات بنى آدم إذا دخل أحدهم الخلاء أن يقول بسم الله) [61] «پرده بین جن و عورت انسانی که وارد دستشویی می‌شود اینست که بگوید : بسم الله».

و به دلیل حدیث انس t که گفت :

(كان رسول الله r إذا دخل الخلاء قال : اللهم انى أعوذ بك من الخبث و الخبائث) [62] «پیامبر r وقتی وارد دستشویی می‌شد می‌فرمود : (اللهم انى أعوذ بك من الخبث و الخبائث) - خدایا از شیاطین نر و ماده به تو پناه می‌برم».

2- مستحب است پس از خارج شدن از دستشویی بگوید : (غفرانك) - خدایا مرا ببخش - به دلیل حدیث عایشه (رض) که گفت :

(كان النبي r إذا خرج من الخلاء قال : غفرانك) [63] «پیامبر r وقتی از دستشویی خارج می‌شد می‌فرمود : غفرانك». «از تو بخشش می‌خواهم».

3- مستحب است هنگام داخل شدن، پای چپ و هنگام خارج شدن پای راست را جلوتر بگذارد، چون در اعمال شریف راست و در اعمال غیر شریف چپ مقدم است. و روایاتی نیز در این باره آمده است که بطور کلی بر این موضوع دلالت می‌کند. [64]

4- اگر شخصی در فضایی باز قضای حاجت کند، مستحب است که از مردم دور شود تا جایی که دیده نشود. از جابر t روایت است که : (خرجنا مع رسول الله r فى سفر، و كان

رسول الله r لایاتی البراز حتی یتغیب فلایری) [651] «با پیامبر r در سفری خارج شدیم، پیامبر r برای قضای حاجت طوری دور می‌رفت که دیده نشود».

5- مستحب است تا به زمین نزدیک نشده، لباسش را بالا نبرد :

از ابن عمر (رض) روایت است : (أن النبی r کان إذا أراد الحاجة لایرفع توبه حتی یدنومن الأرض) [661] «هرگاه پیامبر r می‌خواست قضای حاجت کند تا نزدیک شدن به زمین لباسش را بالا نمی‌برد».

6- هنگام قضای حاجت در صحرا یا ساختمان، رو و پشت کردن به قبله جایز نیست:

از ابوایوب انصاری t روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا أتیتم الغائط فاستقبلوا القبلة ولا تستدبروها، ولكن شرقوا، أو غربوا) [671]. «هرگاه خواستید قضای حاجت کنید رو یا پشت به قبله نکنید بلکه به جهت شرق یا غرب بنشینید».

ابوایوب گفت : (فقدما الشام فوجدنا مراحيض قدبنیت نحو الكعبة، فنحرف عنها و نستغفر الله تعالی) [681] «به شام رفتیم، دستشویی‌هایی را دیدیم رو به قبله بنا شده بود، (هنگام قضای حاجت خود را به طرف غیر قبله کج می‌کردیم و از خدا طلب آمرزش می‌نمودیم».

7- قضای حاجت در محل عبور مردم و در (سایه‌ی) جای استراحتشان حرام است :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (اتقوا اللاعنین، قالوا : ا اللاعنان یا رسول الله؟ قال : الذی یتخلى فی طریق الناس أو فی ظلمهم) [691]. «از دو چیز که باعث لعنت می‌شوند پرهیزید، گفتند : ای رسول خدا آن دو کدامند؟ فرمود : آن دو راه مردم یا در سایه‌ای که می‌نشینند قضای حاجت می‌کند».

8- ادرار کردن در محل استحمام مکروه است :

از حمید حمیری روایت است که گفت : مردی را که همانند ابوهریره در مصاحبت پیامبر r بود دیدم گفت : (نهی رسول الله r أن یمتشط أحدنا کل یوم، أو یبول فی مغتسله) [701]. «پیامبر r از اینکه هر روز موهایمان را شانه زده و یا در محل استحمام ادرار کنیم نهی کرده است».

9- ادرار کردن در آب راکد حرام است :

جابر از پیامبر r روایت کره که فرمود : (أنه نهی أن یبال فی الماء الراکد) [711] «پیامبر r از ادرار کردن در آب راکد نهی کرده است».

10- ایستاده ادرار کردن جایز است ولی نشسته بهتر است :

از حذیفه^t روایت است که : (أن النبى ﷺ انتهى إلى سباطة قوم فبال قائماً، فتنحيت فقال ادنه، فدنوت حتى قمت عند عقبه، فتوضا و مسح على خفيه)^[72] «پیامبر ﷺ به محل ریختن زباله (سباطه)^[73] قومی آمد و ایستاده ادرار کرد، خودم را کنار کشیدم، فرمود : نزدیک شو، نزدیک شدم تا جایی که پشت سرش قرار گرفتم، سپس وضو گرفت و بر خفهایش مسح کشید».

و اینکه گفتیم به حالت نشسته بهتر است بدان جهت است که پیامبر غالباً نشسته ادرار می‌کرده تا جایی که عایشه (رض) می‌گوید : (من حدثكم أن رسول الله ﷺ بال قائماً فلاتصدقوه، ما كان يبول إلا جالساً)^[74] . «هرکس به شما گفت که پیامبر ﷺ به حالت ایستاده ادرار کرده است، سخن او را باور نکنید، چون پیامبر ﷺ تنها به حالت نشسته ادرار می‌کرد».

این سخن عایشه، حدیث حذیفه رانفی نمی‌کند؛ چون عایشه از چیزی که دیده سخن گفته و حذیفه هم از مشاهدات خود خبر داده است و معلوم است که اثبات کننده مقدم بر نفی کننده است چون با او (اثبات کننده) خبری اضافه است.

11- پرهیز از قطرات ادرار واجب است :

از ابن عباس (رض) روایت است که پیامبر ﷺ از کنار دو قبر عبور کرده و فرمود : (إنهما ليعذبان، وما يعذبان في كبير، أما أحدهما فكان لا يستنزه من بوله، و أما الآخر فكان يمشي بين الناس بالنميمة)^[75] «صاحب این دو قبر در عذابند البته بخاطر ارتکاب گناهی کبیره نیست بلکه به این دلیل است که یکی از آنها از ادرارش پرهیز نمی‌کرد و دیگری بین مردم سخن چینی می‌کرد».

12- در حال ادرار کردن از گرفتن آلت تناسلی با دست راست و استنجا کردن با آن خودداری شود :

از ابوقتاده^t روایت است که : پیامبر ﷺ فرمود :

(إذا بال أحدكم فلايمس ذكره بيمينه، ولايستنج بيمينه)^[76] «هرگاه، یکی از شما ادرار کرد از گرفتن آلت تناسلی با دست راست و استنجا با آن خودداری کند».

13- استنجا با آب یا سنگ و مثل آن جایز است؛ ولی آب بهتر است : از انس^t روایت است که گفت : (كان رسول الله ﷺ يدخل الخلاء، فأحمل أنا و غلام نحوى اداوة من ماء و عنرة، فيستنجى بالماء)^[77] «پیامبر ﷺ داخل دستشویی می‌شد من و پسر بچه‌ای همانند من ظرفی کوچک از آب و نیزه‌ای کوچک را برای پیامبر برمی‌داشتیم، پیامبر ﷺ با آب استنجا می‌کرد».

از عایشه (رض) روایت است که پیامبر ﷺ فرمود :

(إذ ذهب أحدكم إلى الغائط فليذهب معه بثلاثة أحجار فليستطب بها فإنها تجزي عنه)^[78]. «هرگاه یکی از شما خواست قضای حاجت کند، با خود سه سنگ ببرد و خود را با آن پاک کند؛ چون سنگ (در استنجاء) جایگزین آب می‌شود».

14- بسنده کرن به کمتر از سه سنگ جایز نیست :

به سلمان فارسی^t گفته شد : پیامبرتان^r همه چیز حتی قضای حاجت را به شما آموزش داده است، سلمان گفت (أجل لقد نهانا أن نستقبل القبلة لغائط أوبول، أو أن نستنجي باليمين، أو أن نستنجي بأقل من ثلاثة أحجار، أو أن نستنجي يرجيع أو بعظم)^[79]. «بله ما را از رو کردن به قبله هنگام قضای حاجت نهی کرده، و اینکه با دست راست یا با کمتر از سه سنگ یا با مدفوع حیوان یا استخوان، استنجاء کنیم نیز، نهی کرده است».

15- استنجاء با استخوان و سرگین جایز نیست :

از جابر^t روایت است که گفت : (نهی النبی^r أن يتمسح بعظم أو ببعر)^[80] «پیامبر^r از استنجاء با استخوان و سرگین نهی کرده است».

فهرست

ظروف:

بکار بردن تمام ظروف بجز ظروف طلا و نقره جایز است؛ تنها خوردن و آشامیدن در ظروف طلا و نقره حرام است و می‌توان برای کارهای دیگر از آنها استفاده کرد :

از حذیفه^t روایت است که پیامبر^r فرمود :

(لا تشربوا في آنية الذهب و الفضة، ولا تلبسوا الحرير و الديبا، فإنها لهم في الدنيا و لكم في الآخرة)^[81] «در ظروف طلا و نقره نیاشامید و ابریشم و دیبا را بر تن نکنید؛ چراکه اینها در دنیا به کفار و در آخرت به شما اختصاص دارند».

از ام سلمه (رض) روایت است که پیامبر^r فرمود :

(الذي يشرب في إناء الفضة إنما يجرجو في بطنه نار جهنم) بخاری و مسلم آن را روایت کرده‌اند^[82]. «کسی که در ظرف نقره آب می‌نوشد، در واقع آتش جهنم را در شکم می‌ریزد».

و در لفظ مسلم چنین آمده است: (إن الذي يأكل أو يشرب في آنية الفضة و الذهب...». کسی که در ظرف طلا و نقره می‌خورد یا می‌نوشد...».

امام مسلم می‌گوید : در هیچکدام از روایات لفظ «أكل» و «ذهب» ذکر نشده بجز در روایت ابن مسهر.

شیخ آلبانی می‌گوید: این اضافه از جهت روایت شاذ است؛ اگرچه از جهت درایت صحیح است؛ چون همانطور که واضح است خوردن و طلا نسبت به نوشیدن و نقره از اهمیت و خطر بیشتری برخوردار هستند^[83] آه.

فهرست

طهارت برای نماز

از ابن عمر (رض) روایت است که گفت: شنیدم از پیامبر r که می‌فرمود: **(لا تقبل صلاة بغیر طهور)**^[84] «هیچ نمازی بدون طهارت قبول نمی‌شود». طهارت دو نوع است: طهارت با آب و طهارت با سطح زمین.
اول: طهارت با آب (وضو و غسل)

وضو

چگونگی وضو:

از حمران مولای عثمان روایت است که عثمان بن عفان برای وضو گرفتن، آب درخواست کرد و وضو گرفت. ابتدا دستهایش را سه بار شست، سپس مضمضه کرد بعد از آن آب را در بینی‌اش کرد، آنگاه صورتش را سه بار شست بعد از آن دست راست را با آرنجش سه بار شست، سپس دست چپ را، مانند دست راستش شست، به دنبال آن سرش را مسح کرد و عداً پای راستش را با قوزکش سه بار شست و پای چپش را هم مانند پای راستش شست. سپس گفت پیامبر خدا r را دیدم که به این روش وضو گرفت و فرمود: (من توضأ نحو وضوئی هذا ثم قام فركع رکعتین لایحدث فیهما نفسه غفرله ما تقدم من ذنبه) «هرکس این چنین وضو بگیرد و با حضور قلب دو رکعت نماز بخواند گناهان (صغیره) گذشته او بخشیده می‌شود».

ابن شهاب می‌گوید: علمای ما می‌گفتند این وضو کاملترین وضو برای نماز است.^[85]

شروط صحت وضو:

1- نیت:

به دلیل فرموده پیامبر r: **(إنما الأعمال بالنیات)**^[86] «قبولی و صحت اعمال انسان به نیت بستگی دارد».

تلفظ به نیت مشروع نیست؛ چون هیچ دلیلی از پیامبر r در این باره ثابت نشده است.

2- گفتن بسم الله:

به دلیل فرموده پیامبر r: **(لاصلاة لمن لاوضوء له، ولاوضوء لمن لم يذكر اسم الله علیه)**^[87] «نماز کسی که وضو نداشته باشد و وضویی که بر آن بسم الله گفته نشده باشد باطل است».

3- موالات (پشت سر هم انجام دادن فرایض وضو) :

به دلیل حدیث خالد بن معدان : (أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى رَأَى رَجُلًا يَصَلِّي وَفِي ظَهْرِهِ قَدَمَهُ لَمْعَةٌ قَدَرِ الدَّرْهِمِ لَمْ يَصْبِهَا الْمَاءُ، فَأَمَرَهُ النَّبِيُّ أَنْ يَعِيدَ الْوُضُوءَ وَالصَّلَاةَ) [88] «پیامبر r مردی را دید که نماز می‌خواند و در پشت پایش خشکی ای به اندازه درهمی دیده می‌شد، پیامبر r به او امر کرد تا وضو و نمازش را اعاده کند» [89].

فرائض وضو:

1- شستن صورت که مضمضه و استنشاق هم جزو آن است.

2- شستن دو دست با آرنجها.

3- مسح تمام سر، گوشها جزو سر هستند.

4- شستن پاها با قوزکها (بجلكها).

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَ
أَمْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ...). (مائده : 6).

«ای مؤمنان، هنگامی که خواستید نماز بخوانید (و وضو نداشتید) صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با قوزکهای آنها بشویید».

دلیل اینکه مضمضه و استنشاق جزو شستن صورت بحساب می‌آیند و انجام آن واجب است، اینست که خداوند متعال در قرآن کریم به شستن صورت امر فرموده و ثابت شده که پیامبر r هم همواره هنگام وضو گرفتن، آنها را انجام داده است و تمام کسانی که چگونگی وضوی پیامبر r را بیان کرده‌اند، مواظبت ایشان بر مضمضه و استنشاق را هم روایت کرده‌اند و این دلالت می‌کند بر اینکه شستن صورت که در قرآن به آن امر شده است شامل مضمضه و استنشاق هم می‌شود. [90]

پیامبر r نیز به مضمضه و استنشاق دستور داده و می‌فرماید : (إِذَا تَوَضَّأَ أَحَدُكُمْ فَلْيَجْعَلْ فِي أَنْفِهِ مَاءً ثُمَّ لِيَسْتَنْشِرْ) [91] «هرگاه یکی از شما وضو گرفت در بینی‌اش آب فرو کند و سپس آن را بیرون کند».

و می‌فرماید : (و بِالْبَالِغِ فِي الْأَسْتِنْشَاقِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَائِمًا) [92] «در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی».

و می‌فرماید : (إِذَا تَوَضَّأْتَ فَمَضْمَضْ) [93]. «هرگاه وضو گرفتی مضمضه کن».

و دلیل وجوب مسح تمام سر این است که مسح در قرآن به صورت مجمل ذکر شده و برای بیان کردن آن به سنت نبوی مراجعه می‌شود، در صحیحین و دیگر کتب حدیث ثابت شده که پیامبر r تمام سرش را مسح کرده است و این دلالت می‌کند بر اینکه مسح تمام سر واجب است.

اگر گفته شود که حدیث مغیره بیانگر این است که پیامبر r پیشانی و عمامه‌اش را مسح کرده جواب این است که :

به این دلیل پیامبر r به مسح پیشانی بسنده کرده است؛ چون مسح بقیه سرش را بامسح عمامه کامل کرده است، ما هم این نظریه را قبول داریم و در این حدیث دلیلی بر صحت اکتفا به مسح پیشانی یا قسمتی از سر بدون تکمیل آن با مسح عمامه وجود ندارد.^[94]

بنابر این نتیجه می‌گیریم که مسح تمام سر واجب است و شخص می‌تواند تنها سر و یا تنها عمامه و یا سر و عمامه را با هم مسح کند.

و دلیل اینکه گوشها جزو سر به حساب می‌آیند و مسح آنها واجب است، حدیثی است که از پیامبر r ثابت است که فرمود: **(الأذنان من الرأس)**^[95] «گوشها جزو سر هستند».

5- خلال کردن ریش (آب را به تمام ریش رساندن) :

به دلیل حدیث انس بن مالک t: **(أن رسول الله r كان إذا توجأ أخذ كفا من ماء فادخله تحت حنكه فخلل به لحيته و قال : هكذا أمرني ربي عزوجل)**^[96] «هرگاه پیامبر r وضو می‌گرفت، مشتی آب برمی‌داشت و آن را زیر چانه‌اش وارد کرده ریشش را با آن خلال می‌کرد و می‌فرمود: پروردگرم اینچنین به من دستور داده است».

6- خلال کردن انگشتان دست و پا :

به دلیل فرموده پیامبر r: **(اسبغ الوضوء و خلل بين الأصابع و بالغ في الاستنشاق إلا أن تكون صائما)**^[97]، «وضو را کامل بگیر و بین انگشتان را خلال کن و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی».

فهرست

سنتهای وضو:

1- سواک کردن:

از ابوهریره t روایت است که پیامبر r فرمود :

(لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك مع كل وضوء)^[98] «اگر بر امتم دشوار نمی‌دیدم، به آنها دستور می‌دادم که با هر وضویی سواک کنند».

2- سه بار شستن دو کف دست در ابتدای وضو :

به دلیل حدیث عثمان t که در آن آمده پیامبر r دو کف دستش را سه مرتبه شست [99]:

3- مضمه و استنشاق را سه بار با هم و با یک مشت آب انجام دادن :

به دلیل حدیث عبدالله بن زید t که در آن وضوی پیامبر r را آموزش می‌داد و می‌گفت : او با یک مشت آب، مضمه و استنشاق می‌کرد و این کار را سه بار تکرار می‌نمود. [100]

4- مبالغه در مضمه و استنشاق برای کسی که روزه نیست :

به دلیل فرموده پیامبر r : (وبالغ فی الاستنشاق إلا أن تكون صائما) [101]. «و در استنشاق مبالغه کن مگر اینکه روزه باشی».

5- تقدیم راست به چپ :

به دلیل حدیث عایشه (رض) : (كان رسول الله r يحب التيامن في تنعله و ترجله و ظهوره و في شأنه كله) [102] «پیامبر r هنگام نعل به پا کردن و سرشانه کرن و وضو گرفتن و در تمام کارهایش، دوست داشت که طرف راست را بر طرف چپ مقدم دارد».

و به دلیل حدیث عثمان که وضوی پیامبر r را تعریف کرد و گفت : پیامبر r اول طرف راست و سپس طرف چپش را می‌شست.

6- دست مالیدن روی اعضای وضو :

به دلیل حدیث عبدالله بن زید : (أن النبي r أتى بثلثي مد فتوضا فجعل يذلک ذراعیه) [103] «برای پیامبر r دوسوم مد، آب آوردند، از آن وضو گرفت و بر ساعدهایش دست مالید».

7- سه بار شستن (اعضای وضو) :

به دلیل حدیث عثمان که گفته است : پیامبر r اعضای وضو را سه بار می‌شست و از پیامبر r ثابت شده که بعضی اوقات اعضای وضو را یک بار و گاهی هم دو بار می‌شست. [104]

تکرار مسح سرگاهگاهی مستحب است به دلیل حدیثی که از عثمان روایت است مبنی بر این که او وضو گرفت و سه بار سرش را مسح کرد و گفت : (رأيت رسول الله r توضا هكذا) [105] «پیامبر r را دیدم که اینطور وضو گرفت».

8- ترتیب :

به دلیل اینکه آنچه در مورد وضوی پیامبر r ثابت شده اکثراً ترتیب را رعایت کرده است. البته از مقدم بن معدی‌کرب روایت است که گفت: (أنه أتى رسول الله r بوضوء فتوضا فغسل كفيه ثلاثا و غسل وجهه ثلاثا، ثم غسل ذراعيه ثلاثا، ثم تمضمض و استنثر ثلاثا ثم مسح برأسه و أذنيه ... الحديث) [106]. «او آب وضو را برای پیامبر r برد وی از آن وضو گرفت، دستها و صورتش را سه بار شست، سپس ساعدهایش را سه بار شست، آنگاه سه بار مضمضه و استنشاق کرد و به دنبال آن سر و گوشهایش را مسح کرد ... تا آخر حدیث».

9- دعا بعد از وضو :

به دلیل فرموده پیامبر r: (مامنكم من أد يتوضا فيسبغ الوضوء ثم يقول : أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، و أشهد أن محمدا عبده و رسوله، إلا فتحت له أبواب الجنة الثمانية يدخل من أيها شاء) [107]. «اگر هر یک از شما بطور کامل وضو بگیرد سپس بگوید: أشهد أن لا إله إلا الله، وحده لا شريك له، و أشهد أن محمدا عبده و رسوله – گواهی می‌دهم که بجز الله معبود بر حق نیست، یکتا است و هیچ شریکی ندارد و شهادت می‌دهم که محمد بنده و فرستاده اوست – درهای هشتگانه بهشت به روی او باز می‌شود، از هر کدام که بخواهد وارد می‌شود».

ترمذی این را هم اضافه کرده است :

(اللهم اجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين) [108] «خداوندا مرا از توبه‌کنندگان و پاکان قرار بده».

از ابوسعید روایت است که پیامبر r فرمود: (من توضا فقال : سبحانك اللهم و بحمدك، أشهد أن لا إله إلا أنت أستغفرک و أتوب إليك كتب في رقي، ثم طبع بطابع فلايكسر إلى يوم القيامة) [109]. «کسی که وضو بگیرد و بگوید: سبحانك اللهم و بحمدك، أشهد أن لا إله إلا أنت استغفرک و أتوب إليك – خداوندا تو پاک و منزهی و حمد لایق توست، شهادت می‌دهم که هیچ معبودی به حق غیر از تو نیست، از تو طلب استغفار می‌کنم و به سوی تو باز می‌گردم – در ورقی نوشته شده، سپس مهر شده و تا قیامت شکسته نخواهد شد».

10- خواندن دو رکعت نماز بعد از وضو :

به دلیل حدیث عثمان که پس از آموزش عملی وضوی پیامبر r به مردم، گفت :

پیامبر r را دیدم که مانند این وضوی من وضو گرفت و فرمود: (من توضا نحو وضوئی هذا، ثم قام فركع ركعتين لا يحدث فيهما نفسه، غفرله ماتقدم من ذنبه) [110]. «هر کس مانند وضوی من وضو بگیرد، سپس دو رکعت نماز با خشوع بخواند، گناهان گذشته او بخشوده می‌شود».

از ابوهریره روایت است که پیامبر r هنگام اذان صبح به بلال فرمود : (یا بلال أخبرنی بأرجی عمل عملته فی الإسلام فإنی سمعت دف نعلیک بین یدی فی الجنة؟ قال: ما عملت عملاً أرجی عندی : أنى لم أظهر ظهوراً فی ساعة من لیل أو نهار إلا صلیت بذلک الظهور ماکتب لی أن أصلی) [111] «ای بلال به من بگو چه کاری در اسلام انجام داده‌ای که به اجر و پاداش آن از هر کار دیگری بیشتر امیدواری. زیرا من صدای کفشهایت را پیشاپیش خودم در بهشت شنیدم، بلال گفت : امیدوارکننده‌ترین کاری که انجام داده‌ام این است که در طول شبانه‌روز، هر بار که وضو می‌گرفتم تعداد رکعاتی که خدا برایم مقرر کرده بود، می‌خواندم».

فهرست

باطل کننده‌های وضو:

1- آنچه از دو راه جلو و عقب خارج می‌شود مانند ادرار، مدفوع و باد:

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ) (مائده : 6)

«یا اینکه یکی از شما قضای حاجت برگشتید».

و به دلیل فرموده پیامبر r : (لا یقبل الله صلاة أحدکم إذا أحدث حتی یتوضأ، فقال رجل من حضرموت : ما الحدث یا أبا هریره؟ قال : فسأ أو ضراط) [112]. «هرگاه یکی از شما بی‌وضو شد تا وضو نگیرد خداوند نمازش را قبول نمی‌کند، مردی از حضرموت گفت ای ابوهریره بی‌وضویی چیست؟ ابوهریره گفت : بیرون شدن باد بدون صدا یا با صدا، از شکم».

خروج مذی و ودی (هم وضو را باطل می‌کند) :

عن ابن عباس رضی الله عنهما قال : (المنی و الودی و المذی، أما المنی فهو الذی منه الغسل، و أما الودی و المذی فقال : اغسل ذکرک أو (*) مذاکیرک و توضأ وضوءک للصلاة) [113] «ابن عباس در خصوص منی و ودی و مذی گفت : منی آن است که با خارج شدن آن غسل واجب می‌گردد و اما با خروج ودی و مذی گفت آلت تناسلی و اطراف آن را بشوی سپس مانند وضوی نماز وضو بگیر».

2- خواب عمیقی که با آن شعور و ادراک باقی نماند، خواه مقعد به زمین چسبیده باشد

یا خیر:

به دلیل حدیث صفوان بن عسال که گفت : (کان رسول الله r یأمرنا إذا کنا سفراً أن لا ننزع خفافنا ثلاثة أيام ولیالیهن، إلا من جنابة، لکن من غائط و بول و نوم) [114] «پیامبر r

به ما دستور می‌داد که در مسافرت خف‌هایمان را به مدت سه شبانه‌روز به خاطر مدفوع، ادرار و خواب در نیاوریم، مگر در حالت جنابت، در این حدیث، پیامبر r بین خواب و ادرار و مدفوع (برای باطل شدن وضو) فرقی قایل نشده است.

از علی t روایت است که پیامبر r فرمود :

(العین و کاء السه فمن نام فلیتوضا) [115] «چشم بند مقعد است، پس هر کس خواب رفت وضو بگیرد».

وکاء - به کسر واو - نخعی است که با آن سرمشک یا کیسه را می‌بندند.

سه : به فتح سین مهمل و کسر هاء مخفف، مقعد است.

و معنی آن این است که بیداری، بند مقعد و محافظ آن است، چون شخص در بیداری آنچه از او خارج شود را، احساس می‌کند. [116]

3- زائل شدن عقل به خاطر مستی یا بیماری، چون شدت غفلت در این موارد، بیش از خواب است.

4- لمس کردن شرمگاه بدون مانع، با شهوت :

به دلیل فرموده پیامبر r : (من مس ذکره فلیتوضا) [117] «هرکس شرمگاهش را لمس کرد باید وضو بگیرد».

در حدیثی دیگر می‌فرماید : (هل هو إلا بضعة منک) [118] «آیا بیش از این نیست که آن تکه گوشتی از بدنت است؟» زمانی آلت تناسلی، تکه گوشتی از بدن به حساب می‌آید، که لمس کردن آن همراه با شهوت نباشد؛ زیرا در این حالت می‌توان لمس آن را به لمس عضوی دیگر از بدن تشبیه کرد؛ ولی اگر با شهوت لمس شود دیگر نمی‌توان آن را به عضوی دیگر تشبیه کرد چون دیگر اعضای بدن عادتاً با شهوت همراه نیست، و این همانطور که می‌دانید واضح است. [119]

5- خوردن گوشت شتر :

به دلیل حدیث براء بن عازب t از پیامبر r که فرمود :

(توضئوا من لحوم الإبل، ولاتوضئوا من لحوم الغنم) [120] «از خوردن گوشت شتر وضو بگیرید ولی از خوردن گوشت گوسفند وضو نگیرید».

از جابر بن سمره t روایت است که مردی از پیامبر r پرسید :

(أَتَوْضَأُ مِنْ لَحُومِ الْغَنَمِ؟ قَالَ إِنَّ شَيْئَ تَوْضَأُوْا مِنْ شَيْئٍ لَا تَتَوْضَأُ : قَالَ : أَتَوْضَأُ مِنْ لَحُومِ الْإِبِلِ؟ قَالَ : نَعَمْ تَوْضَأُ مِنْ لَحُومِ الْإِبِلِ) [121] «آیا بعد از خوردن گوشت گوسفند وضو بگیرم؟ پیامبر r فرمود : اگر خواستی وضو بگیر و اگر خواستی وضو نگیر، گفت آیا بعد از خوردن گوشت شتر وضو بگیرم؟ فرمود بله بعد از خوردن گوشت شتر وضو بگیر.»

فهرست

اعمالی که وضو برای آنها واجب است (آنچه بر بی وضو حرام است) :

1- نماز :

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ... الْآيَةَ)

(مائده : 6)

«ای مؤمنان هنگامی که خواستید نماز بخوانید (و وضو نداشتید) صورتهای خود را بشویید ... آییه».

و به دلیل فرموده پیامبر r : (لَا يَقْبَلُ اللَّهُ صَلَاةَ بَغِيرِ طَهْرٍ) [122] «خداوند هیچ نمازی را بدون وضو قبول نمی کند».

2- طواف خانه خدا :

به دلیل فرموده پیامبر r : (الطواف بالبيت صلاة، إلا أن الله أحل فيه الكلام) [123]. «طواف خانه خدا به منزله نماز است با این تفاوت که خداوند سخن گفتن در آن را حلال کرده است».

اعمالی که وضو برای آنها سنت است :

1- **ذکر خدای عزوجل**، به دلیل حدیث مهاجر بن قنفذ : (أنه سلم على النبي r و هو يتوضأ فلم يرد عليه حتى توضع، فرد عليه و قال : إنه لم يمنعني أن أرد عليك إلا أنني كرهت أن أذكر الله إلا على طهارة) [124] «گوید : در حالی که پیامبر r وضو می گرفت بر او سلام کردم، پیامبر r جواب نداد تا اینکه وضویش تمام شد، سپس جواب سلامم را داد و فرمود : به این دلیل جواب سلامت را ندادم که دوست نداشتم بدون وضو ذکر خدا را بر زبان آورم».

2- **قبل از خواب** : به دلیل حدیث براء بن عازب که گفت : پیامبر r فرمود : (إذا أتيت مضجعك فتوضأ وضو لك للصلاة، ثم اضطج على شقك الأيمن ثم قل : اللهم أسلمت نفسي إليك و وجهت وجهي إليك، وفوضت أمري إليك، و ألتأت ظهري إليك، رغبة و رهبة

إليك، لأملجأ ولا منجى منك إلا إليك، اللهم أمنت بكتابتك الذي أنزلت، و نبيك الذي أرسلت، فإن مت من ليلتك فأنت على الفطرة واجعلهن آخر ما تتكلم به» [125]. «وقتی به بستر خواب رفتی مانند وضوی نماز وضو بگیر سپس بر پهلوئی راست بخواب و بگو : (اللهم أسلمت نفسي إليك، و وجهت وجهي إليك، وفوضت أمري إليك، و ألجأت ظهري إليك، رغبة و رهبة إليك، لأملجأ و لأمنجى منك إلا إليك، اللهم أمنت بكتابتك الذي أنزلت، و نبيك الذي أرسلت) – خداوندا جانم را تسلیم تو و رویم را به سوی تو و امرم را محول به تو کردم، پشتم را در پناه تو قرار دادم امیدو بیمم از تو است، هیچ پناهگاه و محل نجاتی از تو به غیر خودت نیست، خداوندا به کتابت که نازل کردی و به پیامبرت (پیامبری) که فرستادی ایمان آوردم – چنانچه در آن شب بمیری بر فطرت مرده‌ای و این‌ها را آخرین سخنانت قرار بده».

3- جنب هرگاه قصد خوردن، یا آشامیدن، و یا جماع مجدد داشته باشد:

از عایشه (رض) روایت است که : (كان النبي r إذا كان جنباً فأراد أن يأكل أو ينام توضأ وضوه للصلاة) [126] «پیامبر r وقتی که جنب بود و می‌خواست بخورد یا بخوابد مانند وضوی نمازش، وضو می‌گرفت».

از عمار بن یاسر t روایت است که گفت : (أن النبي r رخص للجنب إذا أراد أن يأكل أو يشرب أو ينام أن يتوضأ وضوه للصلاة) [127] «پیامبر r به جنب اجازه داد در صورت تمایل به خوردن، آشامیدن و خوابیدن، وضویی همچون وضوء نماز بگیرد».

از ابوسعید t روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا أتى أحدكم أهله ثم أراد أن يعود فليتوضأ) [128] «هرگاه یکی از شما با همسرش نزدیکی کرد، سپس خواست دوباره نزدیکی کند، وضو بگیرد».

4- قبل از غسل واجب یا مستحب :

از عایشه (رض) روایت است : (كان رسول الله r إذا أغتسل من الجنابة يبدأ فيغسل يديه ثم يفرغ بيمينه على شمال فيغسل فرجه، ثم يتوضأ وضوءه للصلاة) [129].

«هرگاه پیامبر r غسل جنابت می‌کرد ابتدا دستهایش را می‌شست، سپس با دست راست بر طرف چپش آب می‌ریخت و شرمگاهش را می‌شست سپس وضویی همچون وضوی نماز می‌گرفت».

5- وضو از آنچه آتش به آن رسیده باشد :

به دلیل حدیث ابوهریره t که گفت از پیامبر r شنیدم که فرمود : (توضأوا مما مست النار) [130] «بعد از خوردن چیزی که آتش به آن رسیده وضو بگیرید».

در اینجا صیغه امر بر استحباب حمل شده است، به دلیل حدیث عمرو بن أمیه ضمیری : (رأیت النبی r یحتر من کتف شاة، فأکل منها، فدعی إلى الصلاة، فقام و طرح السکین و صلی ولم يتوضأ) [131] «پیامبر r را دیدم که از کتف گوسفندی کنده و می خورد، در همین حال به نماز فرا خوانده شد، بلند شده، چاقو را انداخت و نماز خواند بدون اینکه (بخاطر خوردن گوشت) وضو بگیرد».

6- وضو برای هر نماز:

به دلیل حدیث بریده t: (کان النبی r يتوضأ عند کل صلاة، فلما کان یوم الفتح توضا و مسح علی خفيه و صلی الصلوات بوضوء واحد، فقال له عمر : یا رسول الله انک فعلت شیئا لم تکن تفعله، فقال : عمدا فعلته یا عمر) [132] «پیامبر r برای هر نمازی وضو می گرفت، در روز فتح مکه وضو گرفت و خفهایش را مسح کرد و نمازها (ی پنجگانه) را با یک وضو خواند. عمر به او گفت : ای رسول خدا، کاری انجام دادی که قبلاً انجام نمی دادی. پیامبر r فرمود : ای عمر عمداً این کار را کردم».

7- بعد از هر بی وضویی :

به دلیل حدیث بریده t: (أصبح رسول الله r یوما فدعا بلالا فقال: یا بلال بم سبقتنی إلى الجنة، انی دخلت البارحة الجنة فسمعت خشخشتک أمامی؟ فقال بلال : یا رسول الله، ماأذنت قط إلا صلیت رکعتین، ولأصابنی حدث قط إلا توضأت عنده فقال رسول الله r : لهذا) [133] «به هنگام صبح پیامبر r بلال را صدا زد و فرمود ای بلال با چه کاری در بهشت بر من پیشی گرفتی، دیشب به بهشت رفتم و صدای خش خش نعلهایت را پیشاپیش خودم شنیدم، بلال گفت : ای رسول خدا هیچگاه اذان نگفتم مگر اینکه دو رکعت نماز خواندم و هیچگاه بی وضو نشدم مگر اینکه پس از آن وضو گرفتم، پیامبر r فرمود : (پیشی گرفتن تو از من در بهشت به این دلیل بود».

8- وضو از استفراغ :

به دلیل حدیث معدان بن ابي طلحه از ابودرداء : (أن رسول الله r قاء فأفطر فتوضأ، فلقيت ثوبان فی مسجد دمشق فذکرت ذلک له، فقال، صدق، أنا صببت له وضوءه) [134] «پیامبر r استفراغ کرد، پس (به خاطر آن) افطار نمود و وضو گرفت، (پس از آن) ثوبان را در مسجد دمشق ملاقات کرده، جریان را برایش تعریف کردم، ثوبان گفت : ابودرداء راست می گوید من آب وضو را برایش ریختم».

9- از حمل جنازه :

به دلیل فرموده پیامبر r: (من غسل میتا فلیغتسل، و من حملة فلیتوضأ) [135] «هر کس جنازه ای را شست غسل کند و هر کس آن را حمل کرد وضو بگیرد».

مسح خفین

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (3/164) می‌گوید :

همه‌ی کسانی که به اجماعشان اعتماد می‌شود، بر جایز بودن مسح خفین (موزه‌ها) در سفر و حضر اجماع کرده‌اند، خواه برای ضرورت باشد یا غیرضرورت، حتی برای زنی که همیشه در خانه است یا از پا افتاده‌ای که توانایی حرکت ندارد نیز جایز است.

تنها خوارج و بعضی فرّق، مسح خفین را جایز نمی‌دانند و مخالفشان ناقض اجماع نیست.

حسن بصری رحمه الله گوید : هفتاد نفر از اصحاب پیامبر^ص برای من روایت کرده‌اند که پیامبر^ص خفین را مسح می‌کرد - آه.

بهترین دلیل بر جواز مسح خفین حدیثی است که مسلم از أمش از ابراهیم از همام روایت کرده که گفت : جریر ادرار کرد سپس وضو گرفت و خفهایش را مسح کرد به او گفته شد : این چنین می‌کنی؟ گفت : (نعم رأیت رسول الله^ص بال ثم توضأ و مسح علی خفیه) «بله پیامبر^ص را دیدم که ادرار کرد، سپس وضو گرفت و خفهایش را مسح کرد» اعمش گوید : ابراهیم گفت : این حدیث گفت : این حدیث بسیار مورد توجه‌شان قرار گرفت چون اسلام جریر بعد از نزول سوره مائده بود. [136]

نووی می‌گوید : [137]

معنای این سخن همان گفته‌ی خداوند متعال در سوره مائده است :

(فَاعْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَ أَيْدِيكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَ أَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ) (مائده : 6)

«صورتها و دستهای خود را همراه با آرنجها بشویید و سرهای خود را مسح کنید و پاهای خود را همراه با قوزکهای آن بشویید».

اگر اسلام جریر قبل از نزول سوره مائده می‌بود احتمال داشت که حدیث او (درباره مسح بر خف) بوسیله آیه مائده منسوخ شده باشد، لیکن اسلام او بعد از نزول سوره مائده بوده، لذا در می‌یابیم که به حدیث او عمل می‌شود و حدیث روشن می‌کند که آیه درباره کسی است که بدون خف باشد؛ به این ترتیب سنت، مخصص (خاص کننده) آیه بوده است. والله أعلم.

شروط مسح بر خفین:

شرط جایز بودن مسح خفین این است که خف‌ها بعد از وضو پوشیده شوند :

از مغیره بن شعبه^[138] روایت است که : (كنت مع النبي ﷺ ذات ليلة في مسير، فأفرغت عليه من الإداوة فغسل وجهه و ذراعيه و مسح برأسه، ثم أهويت لإنزع خفيه فقال : دعهما فأنى أدخلتهما طاهرتين. فمسح عليهما)^[138]. «شبی در راه با پیامبر ﷺ بودم، از آبی که در ظرف بود بر دست‌هایش ریختم، صورت و دست‌هایش همراه با ساعدهایش را شست و سرش را مسح کرد، سپس خواستم تا خفهایش را در بیاورم فرمود : آنها را در نیلور چون در حالت طهارت آنها را پوشیده‌ام (وضو داشتم) سپس بر آنها مسح کرد».

مدت زمان مسح:

از علی ابن ابی طالب^[139] روایت است : (جعل رسول الله ﷺ ثلاثة أيام ولياليهن للمسافر و يوماً و ليلة للمقيم)^[139] «پیامبر ﷺ (مدت مسح را) سه شبانه روز برای مسافر و یک شبانه روز برای مقیم تعیین کرد».

محل (جای) مسح و چگونگی آن:

محل مشروعی که باید مسح شود بالای خف است، به دلیل گفته علی ابن ابی طالب^[140] : (لو كان الدين بالرأى لكان أسفل الخف أولى بالمسح من أعلاه، لقد رأيت رسول الله ﷺ يمسح على ظاهر خفيه)^[140] «اگر دین بر اساس رأی - اشخاص - می‌بود مسح قسمت زیرین خف بر مسح بالای آن برتری داشت، ولی پیامبر ﷺ را دیدم که بالایخف را مسح می‌کرد».

مقدار واجب مسح، اندازه‌ای است که اسم مسح بر آن اطلاق شود.

مسح بر جوراب و نعل (دمپایی):

همانطور که مسح بر خف جایز است، مسح بر جوراب‌ها و نعل‌ها (دمپایی) نیز جایز است؛ به دلیل حدیث مغیره بن شعبه : (أن النبي ﷺ توضأ و مسح على الجوربين و النعلين)^[141] «پیامبر ﷺ وضو گرفت و بر جوراب‌ها و دمپایی‌هایش مسح کرد».

از عبید بن جریج روایت است : (قيل لابن عمر : رأيناك تفعل شيئاً لم نر أحداً يفعله غيرك، قال و ما هو؟ قالوا : رأيناك تلبس هذه النعال السبتية : قال إني رأيت رسول الله ﷺ يلبسها و يتوضأ فيها و يمسح عليها) «به ابن عمر گفته شد : از تو کاری را دیدیم که از کس دیگر آن را ندیده‌ایم. گفت چه کاری؟ گفتند : می‌بینیم که این دمپایی‌های چرمی را پوشیده‌ای^[142]، گفت : پیامبر ﷺ را دیدم که از این دمپایی‌ها می‌پوشید و با آنها وضو می‌گرفت و بر آنها مسح می‌کرد».

فهرست

آنچه مسح را باطل می‌کند :

مسح به یکی از این سه مورد باطل می‌شود :

1- سپری شدن مدت مسح :

چون همانطور که بیان شد اعتبار مسح خفین مدت معینی دارد که پس از آن جایز نیست.

2- جنابت :

به دلیل حدیث صفوان : (كان رسول الله ﷺ يأمرنا إذا كنا سفرا ألا ننزع خفافنا ثلاثة أيام ولياليهن إلا من جنابة لكن من غائط وبول و نوم)^[143] «پیامبر ﷺ به ما امر کرد که در مسافرت خفهایمان را سه شبانه‌روز در نیاوریم مگر به خاطر جنابت (در این صورت باید خفها را در آوریم چون مسح باطل می‌شود) اما بر اثر مدفوع، ادرار و خواب، در آوردن آنها لازم نیست».

3- در آوردن چیزهای مسح شده (خف و جوراب و دمپایی) از پاها :

چون وقتی که آنها را در آورد و دوباره پوشید، نمی‌توان گفت : با پاهای پاک آنها را پوشیده است.

فایده:

انقضای مدت مسح و نیز در آوردن چیزهای مسح شده تنها مسح را باطل می‌کند. پس تا دوباره وضو نگیرد و پاهایش رانشوید و (خف و دمپایی یا جوراب) را نپوشد نمی‌تواند مسح کند اما اگر هنگام در آوردن مسح شده یا سپری شدن مدت مسح وضو داشته باشد، وضویش به حال خود باقی می‌ماند و تا زمانی که وضویش باطل نشده، می‌تواند هر اندازه که می‌خواهد با آن نماز بخواند.

فایده:

اگر کسی با طهارت (وضو) دو جفت جوراب بپوشد، سپس بر آنها مسح کند و جوراب بالایی را بعد از مسح در آورد، می‌تواند با مسح جوراب دومی، مدت مسح را به اتمام برساند. چون می‌توان گفت که این فرد با طهارت جورابها را پوشیده است. اما اگر یک جفت جوراب بپوشد و بر آن مسح کند؛ سپس یک جفت دیگر روی آن بپوشد، جایز نیست که جوراب دومی را مسح کند؛ چراکه نمی‌توان گفت آنها را با طهارت پوشیده است.^(*)

[144]

فهرست

غسل

آنچه غسل را واجب می‌کند :

1- خروج منی در حالت بیداری یا خواب :

به دلیل فرموده پیامبر r : (إنما الماء من الماء)^[145] «(غسل با) آب به سبب خروج آب (منی) است».

از ام سلمه روایت است که ام سلیم گفت : (یا رسول الله إن الله لا يستحي من الحق، فهل على المرأة غسل إذا احتلمت؟ قال نعم إذا رأت الماء)^[146] «ای رسول خدا! خدا از بیان حق شرم نمی‌کند، آیا بر زن واجب است وقتی احتلام شد، غسل کند؟ فرمود : بله، هرگاه آب (منی) را دید».

هنگام بیداری، خروج منی به شرطی موجب غسل می‌شود که باشهوت همراه باشد ولی در خواب این شرط لازم نیست به دلیل فرموده پیامبر r : (إذا حذفت الماء فاغتسل من الجنابة، فإذا لم تكن حاذفاً تغسل)^[147] «وقتی آبراً به حالت جهیدن بیرون کردی غسل جنابت کن ولی اگر آب به حالت جهیدن بیرون نشد غسل نکن».

شوکانی می‌گوید^[148] : «حذف» پرت کردن است و این امکان ندارد مگر اینکه همراه با شهوت باشد. به همین دلیل نویسنده می‌گوید : این امر بیانگر آن است که آنچه بدون شهوت و بر اثر بیماری یا سرما خارج می‌شود، غسل را واجب نمی‌کند».

اگر کسی در خواب محتلم شود ولی آب منی نبیند، غسل بر او واجب نمی‌شود ولی اگر آب منی را ببیند و احتلامی را در خواب به یاد نداشته باشد، غسل بر او واجب می‌شود، از عایشه روایت است : (سئل رسول الله r عن الرجل يجد الببل و لا يذكر احتلاماً؟ فقال : يغتسل، و عن الرجل يرى أنه قد احتلم و لا يجد الببل؟ فقال : لا غسل عليه)^[149] «از پیامبر r درباره کسی که تری را می‌بیند ولی احتلامی به یاد نمی‌آورد سؤال شد، فرمود : غسل کند و همچنین درباره کسی که گمان می‌کند محتلم شده، بدون اینکه رطوبتی را ببیند، سؤال شد. پیامبر r در جواب فرمود : غسل بر او واجب نیست».

2- جماع، اگرچه منی خارج نشود :

از ابوهریره روایت است که پیامبر r فرمود : (إذا جلس بين شعبها الأربع ثم جهدها فقد وجب الغسل و إن لم ينزل)^[150] «هرگاه بین رانهای زن بنشیند و شروع به آمیزش کند، غسل بر او واجب می‌گردد؛ اگرچه منی هم خارج نشود».

3- کافری که مسلمان می‌شود :

از قیس بن عاصم روایت است : (أنه أسلم فأمره النبي r أن يغتسل بماء و سدر)^[151] «قیس بن عاصم مسلمان شد، پیامبر r به او امر کرد تا با آب و سدر (کنار) غسل کند».

4- قطع شدن خون حیض و نفاس :

به دلیل حدیث عایشه (رض) : پیامبر ﷺ به فاطمه بنت ابی حبیب فرمود :

(إذا أقبلت الحيضة فدعى الصلاة، وإذا أدبرت فاغتسلي و صلى) [152] «هرگاه مدت حیض فرا رسید نماز را ترک و وقتی که پایان یافت غسل کن و نماز بخوان».

بنا به اجماع نفاس هم مانند حیض است.

5- روز جمعه: از ابوسعید خدری آمده است که رسول الله ﷺ فرمود : (غسل الجمعة واجب على كل محتلم) [153] «غسل جمعه بر هر فرد بالغ واجب است».

فهرست

ارکان غسل:

1- نیت :

به دلیل حدیث (إنما الأعمال بالنیات) [154] «قبول و صحت اعمال به نیت بستگی دارد».

2- آب را به تمام بدن رساندن.

فهرست

غسل کردن به طریقه سنت:

از عایشه (رض) روایت است : (كان رسول الله ﷺ إذا اغتسل من الجنابة يبدأ فيغسل يديه، ثم يفرغ يمينه على شماله فيغسل فرجه، ثم يتوضأ وضوءه للصلاة ثم يأخذ الماء فيدخل صابعه في أصول الشعر، حتى إذا رأى أن قد استبرأ حفن على رأسه ثلاث حففات، ثم أفاض على سائر جسده، ثم غسل رجليه) [155] «پیامبر ﷺ بهنگام غسل جنابت ابتدا دستهایش را می شست، سپس با دست راستش بر طرف چپش آب می ریخت و شرمگاهش را می شست. آنگاه وضویی همچون وضوی نماز می گرفت و آب برمی داشت و با انگشتانش بین موهایش را خلال می کرد تا مطمئن شود که آب به پوست رسیده است سپس سه مشت آب بر سرش می ریخت و بدنبال آن بر سایر بدنش آب می ریخت سپس پاهایش را می شست».

فهرست

فایده:

بر زن واجب نیست که برای غسل جنابت موهای بافته شده‌اش را باز کند ولی برای غسل حیض باید آنها را باز کند :

از ام سلمه (رض) روایت است : **(قلت يا رسول الله، إني امرأة أشد ضفر رأسي أفأنقصه لغسل الجنابة؟ قال لا إنما يكفيك دن تحثي على رأسك ثلاث حثيات ثم تفيضين عليك الماء فتطهرين)** [156] «گفتم : ای رسول خدا! من زنی هستم که موهایم را می‌بافم آیا برای غسل جنابت باید آنها را باز کنم؟ پیامبر r در جواب فرمود : خیر، بلکه کافی است که سه مشت آب را بر سرت بریزی، سپس آب را بر تمام بدنت جاری کنی تا پاک شوی».

از عایشه (رض) روایت است که اسماء از پیامبر r درباره غسل حیض سؤال کرد. پیامبر r فرمود : **(تأخذ إحداكن ماءها و سدرتها، فتطهر، فتحسن الظهور ثم تصب على رأسها فتدلكه دلکا شديدا، حتى تبلغ شئون رأسها ثم تصب عليها الماء، ثم تأخذ فرصة ممسكة فتطهر بها فقالت أسماء : كيف أتطهر بها؟ فقال : سبحان الله تطهري بها، فقالت عائشة كأنها تخفى ذلك : تتبعين بها أثر الدم.**

وسألتها عن غسل الجنابة، تأخذ ماء فتطهر فتحسن الظهور أو تبلغ الظهور ثم تصب على رأسها فتدلكه حتى تبلغ شئون رأسها، ثم تفيض عليها الماء). [157]

«هر کدام از شما مقداری آب و سدر را بردارد و با آن به خوبی طهار بگیرد سپس آب را سرش بریزد و خوب آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد. سپس آب را بر خودش بریزد و تکه پنبه‌ای آغشته به مسک را برداشته و با آن خود را پاک کند، اسماء گفت : چگونه با آن خود را پاک کند؟ فرمود : سبحان الله! خودش را با آن پاک کند، عایشه در حالی که گویا می‌خواست آن را (از دیگران) پنهان کند، گفت : با آن تکه پنبه آغشته به مسک، اثر خون را پاک کند».

همچنین از پیامبر r درباره غسل جنابت سؤال کرد، فرمود : «آب را بردارد و با آن به خوبی وضو بگیرد سپس آب را بر سرش بریزد و آن را مالش دهد تا آب به تمام نقاط سرش (زیرموها) برسد، سپس آب را بر سایر بدنش بریزد».

این حدیث به صراحت فرق بین غسل حیض و جنابت را بیان می‌کند بطوریکه تأکید شده است زن حیض باید در مالیدن سرش مبالغه کند و آن را پاک نماید ولی در غسل جنابت چنین تأکیدی وجود ندارد. همچنین حدیث ام سلمه دلیل بر عدم وجوب باز کردن موی بافته شده در غسل جنابت است. [158]

در اصل موهای بافته شده را باید باز کرد تا یقین حاصل شود که آب به ته آنها رسیده است. ولی در غسل جنابت بخاطر تکرار و مشقت زیاد در این کار (باز کردن موها)، مورد عفو قرار گرفته است، برخلاف غسل حیض که در ماه تنها یکبار صورت می‌گیرد. [159]

فایده:

برای زن و شوهر غسل کردن در یک مکان و دیدن عورت همدیگر، جایز است. به دلیل گفته عایشه (رض): (كنت أغتسل أنا و رسول الله من إناء واحد و نحن جنبان) [160] «من و پیامبر در حالی که جنب بودیم از یک ظرف غسل می‌کردیم».

فهرست

غسل‌های مستحب:

1- غسل پس از هر جماع:

به دلیل حدیث ابورافع: (أن النبي طاف ذات ليلة على نساءه يغتسل عند هذه و عند هذه قال: فقلت يا رسول الله: ألا تجعله واحدا؟ قال: هذا أزكى و أطيّب و أظهر) [161]. «پیامبر در شبی با همسرانش جماع کرد، و پس از جماع با هر کدام، غسل میکرد. (ابورافع) گوید: گفتم: ای رسول خدا! (به جای این غسلها) چرا یک غسل نکردید؟ پیامبر فرمود: این روش بهتر و پاکتر است».

2- غسل مستحاضه (دائم الحيض):

زنی که بطور مداوم مبتلا به خون حیض است، باید برای هر نماز یا برای نماز ظهر و عصر با هم، یک غسل و برای نماز مغرب و عشاء با هم یک غسل و برای نماز صبح یک غسل بکند به دلیل حدیث عایشه (رض):

(أن أم حبيبه استحيزت في عهد رسول الله فأمرها بالغسل لكل صلاة ... الحديث) [162] «أم حبيبه در زمان پیامبر مستحاضه شد، پیامبر به او امر کرد تا برای هر نمازی غسل کند...» و در روایتی دیگر از عایشه (رض) چنین روایت است: (استحيزت امرأة علي عهد رسول الله فأمرت أن تعجل العصر و تؤخر الظهر و تغتسل لهما غسلا واحدا، و تؤخر المغرب و تعجل العشاء و تغتسل لهما غسلا و تغتسل لصلاة الصبح غسلا) [163] «زنی در زمان پیامبر مستحاضه شد، پیامبر به او دستور داد که نماز عصر را در اول وقت و نماز ظهر را در آخر وقت بخواند و برای هر دو نماز یک غسل انجام دهد. همچنین نماز مغرب و عشاء بهمین ترتیب بخواند و برای آنها هم یک غسل بجای بیاورد و برای نماز صبح به تنهایی یک غسل انجام دهد».

3- غسل بعد از بیهوشی:

به دلیل حدیث عایشه (رض): (ثقل رسول الله فقال: أصلى الناس؟ فقلنا لا، هم ينظرونك يا رسول الله، فقال: ضعا لي ماء في المخضب، قالت: ففعلنا، فأغتسل ثم ذهب لينوء فأغمى عليه ثم أفاق فقال: أصلى الناس؟ فقلنا لا، هم ينظرونك يا رسول الله، فقال ضعوا لي ماء في المخضب، قالت: ففعلنا، فأغتسل ثم ذهب لينوء فأغمى عليه ثم

أفاق فقال : أصلى الناس؟ فقلنا : لا، هم ينظرونك يا رسول الله، فذكرت إرساله إلى أبي بكر و تمام الحديث^[164] «بیماری پیامبر r شدت گرفت، فرمود : آیا مردم نماز خوانده‌اند، گفتیم خیر، منتظر شما هستند ای رسول خدا، سپس فرمود : تشتت آبی برایم آماده کنید. عایشه گفت : این کار را کردیم و پیامبر r غسل کرد، به سختی خواست بلند شود، ناگهان بیهوش شد، سپس به هوش آمد و فرمود : آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ گفتیم خیر، منتظر شما هستند ای رسول خدا! فرمود : تشتت آبی برایم آماده کنید، عایشه گفت : این کار را کردیم، پیامبر r غسل کرد و به سختی خواست بلند شود، دوباره بیهوش شد. سپس به هوش آمد و فرمود : آیا مردم نماز خوانده‌اند؟ گفتیم خیر، منتظر شما هستند ای رسول خدا! سپس عایشه قضیه‌ی فرستادن پیامبر r به دنبال ابوبکر را ذکر کرد ... تا آخر حدیث».

5- غسل عید فطر و قربان و روز عرفه:

به دلیل حدیثی که بیهقی از طریق شافعی از زاذان روایت کرده : (سأل رجل علیا رضی الله عنه عن الغسل؟ قال : اغتسل کل یوم إن شئت، فقال : لا، الغسل الذی هو الغسل؟ قال : یوم الجمعة، و یوم عرفة و یوم النحر، و یوم الفطر). «مردی از علی t درباره غسل سؤال کرد، علی گفت : اگر می‌خواهی هر روز غسل کن، (آن مرد) گفت : نه، منظورم غسل سنت است؟ گفت : غسل روز جمعه، روز عرفه، روز عید قربان و عید فطر».

6- غسل بعد از شستن مرده:

به دلیل فرموده پیامبر r : (من غسل میتا فلیغتسل)^[165]. «کسی که مرده‌ای را شست غسل کند».

7- غسل احرام برای حج یا عمره:

به دلیل حدیث زید بن ثابت : (أنه رأى النبی r تجرد لإهلاله و اغتسل)^[166]. «او پیامبر r را دید که خود را برای احرام آماده نمود (لباسهایش را کشید) و غسل کرد».

8- غسل برای ورود به مکه:

از ابن عمر (رض) روایت است : (أنه كان لا یقدم مكة إلا بأبأ بذی طوی حتی یصبح و یغتسل ثم یدخل مكة نهرا، و یذكر عن النبی r أنه فعله)^[167] «ابن عمر (رض) قبل از اینکه وارد مکه شود شب را در ذی طوی به صبح می‌رساند، سپس غسل می‌کرد و در هنگام روز وارد مکه می‌شد و از پیامبر r نقل می‌کرد که او هم این کار را انجام داده است».

دوم : طهارت با سطح زمین (تیمم)

مشروعیت تیمم:

خداوند متعال می فرماید :

(وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ ...) (مانده : 6)

«و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا اینکه یکی از شما از قضای حاجت برگشت یا با زنان همبستر شدید و (در همه این صورتها آب برای غسل یا وضو) نیافتید با سطح زمین پاک تیمم کنید (بدین شکل که پس از زدن دستها بر سطح زمین) بر صورتها و دستهای خود مسح بکشید».

و پیامبر r فرمود : (إِنَّ الصَّعِيدَ الطَّيِّبَ طَهِّرُ الْمُسْلِمِ وَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ عَشْرَ سَنِينَ) [168] «سطح زمین پاک، پاک کننده مسلمان است اگرچه ده سال آب نیابد».

در چه مواردی تیمم جایز است؟

تیمم وقتی جایز است که شخص از استفادهی آب ناتوان باشد. بطوریکه آب در دسترس نباشد، یا اینکه به دلیل بیماری جسمی یا شدت سرما از استفاده کردن آن بترسد:

از عمران بن حصین t روایت است : (كُنَّا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ r فِي سَفَرٍ، فَصَلَّى بِالنَّاسِ فَإِذَا هُوَ بِرَجُلٍ مَعْتَزِلٍ، فَقَالَ : مَا مَنَعَكَ أَنْ تَصَلِيَ؟ قَالَ : أَصَابَتْنِي جَنَابَةٌ وَالْمَاءُ، فَقَالَ r : عَلَيْكَ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّهُ يَكْفِيكَ) [169]. «در سفری با پیامبر r بودیم. پیامبر r با مردم (به جماعت) نماز خواند و ناگهان متوجه مردی شد (بدون اینکه نماز خوانده باشد) در گوشه‌ای نشسته، پیامبر r فرمود : چرا با ما نماز نخواندی؟ آن مرد گفت : جنب شده‌ام و آب نیست، پیامبر r فرمود : با سطح زمین تیمم کن، آن تو را کفایت می‌کند».

از جابر t آمده روایت است : (خَرَجْنَا فِي سَفَرٍ، فَأَصَابَ رِجْلَا مِنَّا حَجْرٌ فَشَجَّهَ فِي رَأْسِهِ، ثُمَّ أَحْتَلَمَ فَسَأَلَ أَصْحَابَهُ : هَلْ تَجِدُونَ لِي رِخْصَةً فِي التَّيْمِمِ؟ فَقَالُوا : مَا نَجِدُ لَكَ رِخْصَةً وَأَنْتَ تَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ، فَاجْتَسَلْ فَمَاتَ : فَلَمَّا قَدِمْنَا عَلَى رَسُولِ اللَّهِ r أَخْبَرَ بِذَلِكَ، فَقَالَ : قَتَلُوهُ، قَتَلَهُمُ اللَّهُ، أَلَا سَأَلُوا إِذَا لَمْ يَعْلَمُوا، فَإِنَّمَا شَفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ، إِنَّمَا كَانَ يَكْفِيهِ أَنْ يَتَيَمَّمَ) [170]. «به قصد مسافرتی بیرون رفتیم، سنگی به مردی خورد و سرش را زخمی کرد، سپس آن مرد محتلم شد، از دوستانش پرسید آیا به نظر شما می‌توانم تیمم کنم؟ گفتند : در حالی که می‌توانی با آب غسل کنی رخصتی برای شما نمی‌یابیم، پس آن مرد غسل کرد و مرد، وقتی نزد پیامبر r رفتیم او را از این جریان باخبر کردند فرمود : او را کشتند، خدا آنها را بکشد چرا وقتی که نمی‌دانستند سؤال نکردند؟ چرا که شفای در مانده سؤال (کردن) است، کافی بود تیمم کند».

از عمرو بن عاص روایت است: وقتی به غزوه ذات السلاسل اعزام شدم در شب بسیار سردی احتلام شدم، ترسیدم اگر غسل کنم هلاک شوم، در نتیجه تیمم کردم و برای همراهانم در نماز صبح امامت کردم. وقتی نزد پیامبر r برگشتیم جریان را برایش بازگو کردند فرمود: **(یا عمرو صلیت بأصحابک و أنت جنب؟ فقلت: نکررت قول الله تعالی: (وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا) فتیممت ثم صلیت، فضحک رسول الله r ولم یقل شیئا)** [171] «ای عمرو! در حالیکه جنب بودی برای همراهانت امامت کردی؟ گفتیم: فرموده خداوند متعال را به یاد آوردم که: **(وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا)**» خودتان را از بین نبرید، چراکه خداوند نسبت به شما رحیم و مهربان است، پس تیمم کردم و نماز خواندم. پیامبر r خندید و چیزی نگفت».

فهرست

صعید چیست؟

این منظور در لسان العرب می‌گوید [172]: صعید زمین است و گفته شده: صعید به معنی زمین پاک است، (عده‌ای هم آن را به معنی هر خاک پاکی دانسته‌اند). در قرآن کریم چنین آمده است: **(فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا)** ابواسحاق می‌گوید: صعید سطح زمین است و بر انسان لازم است که (هنگام تیمم) هر دو دستش را بدون توجه به اینکه در آنجا خاک وجود دارد یا نه؛ بر سطح زمین بزند چراکه صعید بمعنی خاک نیست، بلکه بمعنی سطح زمین است، خاک باشد یا غیرخاک، گوید: اگر تمام زمین صخره باشد و هیچ خاکی روی آن نباشد و تیمم کننده دستش را بر آن صخره بزند و صورتش را با آن مسح کند، همان برایش پاک کننده به حساب می‌آید.

روش تیمم:

از عمار بن یاسر روایت است: **(أجنبت فلم أصب ماء فتعمکت فی الصعید و صلیت فذکرت ذلک للنبی r فقال: إنما کان یکفیک هكذا و ضرب النبی r بکفیه الأرض و نفخ فیهما، ثم مسح بهما وجهه و کفیه)** [173] «جنب شدم و آبی نیافتم؛ پس خودم را به روی زمین مالیدم و نماز خواندم، جریان را برای پیامبر r تعریف کردم، پیامبر r فرمود: کافی بود که چنین می‌کردی: و پیامبر r دوکف دستش را بر زمین زد و در آنها فوت کرد و سپس با آنها صورت و دو کف دستش را مسح کرد».

فایده:

تیمم در اصل جانشین وضو است، و هر آنچه با وضو جایز می‌شود با تیمم نیز جایز می‌گردد و شخص می‌تواند همانند وضو قبل از دخول وقت، تیمم بگیرد و هر اندازه که می‌خواهد با آن نماز بخواند.

فهرست

باطل کننده های تیمم:

آنچه وضو را باطل می‌کند، تیمم را نیز باطل می‌کند. علاوه بر این کسی که به علت عدم دسترسی به آب، تیمم کرده است، هرگاه آب را پیدا کند، تیممش باطل می‌شود، و نیز کسی که بخاطر بیماری و غیره از بکار بردن آب عاجز بوده، با رفع ناتوانی، تیمم او باطل می‌شود، ولی هر نمازی که قبلاً با تیمم خوانده، صحیح است و اعاده آن (دوباره خواندن) لازم نیست.

از ابوسعید خدری¹ روایت است: (خرج رجلان فی سفر، فحضرت الصلاة و لیس معهما ماء، فتیمما صعبا طيبا فصليا ثم وجدا الماء فی الوقت، فأعاد أحدهما الوضوء و الصلاة و لم يعد الآخر، ثم أتیا رسول الله ﷺ فذکرا ذلك له، فقال للذی لم يعد: أصبت السنة، و اجزائک صلاتک، و قال للذی توضأ و أعاد: لک الأجر مرتین)^[174] «دومرد به مسافرت رفتند، وقت نماز فرا رسید در حالیکه آب به همراه نداشتند، در نتیجه با سطح زمین پاک تیمم کردند و نماز خواندند؛ سپس آب را در همان وقت یافتند. یکی از آنها وضو گرفته و نماز را اعاده کرد و دیگری اعاده نکرد؛ سپس آب را در همان وقت یافتند. یکی از آنها وضو گرفته و نماز را اعاده کرد و دیگری اعاده نکرد. وقتی که نزد پیامبر آمدند جریان را برایش بازگو کردند، به کسی که نماز و وضو را اعاده نکرده بود فرمود: مطابق سنت عمل کرده‌ای و نمازت صحیح است و به کسی که اعاده کرده بود فرمود: تو دو ثواب داری».

فایده:

اگر عضوی از کسی زخمی شد و محل آن را باندپیچی کرد، یا جایی از بدنش شکست آن را بست (گچ گرفت)، شستن یا مسح کردن آن محل لازم نیست و نیازی به تیمم هم ندارد، بدلیل فرموده خداوند:

(لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا) (بقره: 286)

«خداوند به هیچ کس جز به اندازه توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند».

و فرموده‌ی پیامبر² که: (إِذَا أَمَرْتُمْ بِأَمْرٍ فَأَتُوا مِنْهُ مَا اسْتَطَعْتُمْ)^[175] «هرگاه شما را به کاری امر کردم هر اندازه که توانایی دارید آن را انجام دهید». بنابراین با استناد به قرآن و سنت در می‌یابیم که هرچه در توان انسان نباشد، از او ساقط می‌شود.

و جایگزین کردن مسح (محل شکسته شده) و تیمم (برای محلی که قادر به شستن آن نیستیم) به جای شستن (محل مذکور)، بایدبا دلیل شرعی ثابت شود، و احکام هم تنها با قرآن و سنت به اثبات می‌رسد در حالیکه در قرآن و سنت هیچ دلیلی درباره این جایگزینی وجود ندارد، بنابراین، چنین نظریه‌ای از درجه اعتبار ساقط است.^[176]

جواز تیمم بر دیوار [177]

از ابن عباس روایت است: من و عبدالله بن یسار، مولای میمونه زن پیامبر r نزد ابوجهیم بن حارث بن صمه انصاری رفتیم، ابوجهیم گفت: (أقبل النبي r من نحو «بئر جمل» [178]). فلقیه رجل فسلم عليه، فلم يرد عليه النبي r حتى أقبل على الجدار فمسح بوجهه ویدیه، ثم رد عليه السلام [179]. «پیامبر r از طرف «بئر جمل» برمی‌گشت، مردی با او ملاقات کرد و سلام کرد، پیامبر r جواب سلام او را نداد تا رو به دیوار کرد و (دست بر دیوار زد) صورت و دستهایش را با آن مسح کد و سپس جواب سلام او را داد».

احکام حیض و نفاس

تعریف حیض و نفاس و بیان مدت آنها:

حیض خونی است شناخته شده نزد زنان که در شرع هیچ حدی برای حداقل و حداکثر آن وجود ندارد و در این مورد به عادت زنان مراجعه می‌شود.

نفاس: خونی است که به سبب زایمان خارج می‌شود و حداکثر آن چهار روز است:

از أم سلمه (رض) روایت است: (كانت النفساء تجلس على عهد رسول الله r أربعين يوماً) [180] «نفساء (زنانی که وضع حمل می‌کنند) زمان پیامبر r چهار روز می‌نشستند (یعنی نماز و روزه را ادا نمی‌کردند)».

اگر خون نفاس قبل از چهار روز قطع شود، باید غسل کند و پاکی‌اش شروع می‌شود و اگر بعد از چهار روز، خونریزی ادامه یابد بعد از پایان چهار روز غسل کند و پاکی او محسوب می‌شود.

آنچه برای حائض حرام است:

آنچه بر بی‌وضو حرام است، بر حائض و نفساء نیز حرام است. علاوه بر آن موارد زیر نیز بر زنی که در مدت حیض یا نفاس است حرام می‌شود:

1- روزه، و هرگاه پاک شود باید آن را قضا کند.

از معاذه روایت است: (سألت عائشة فقلت: ما بال الحائض تقضى الصوم و لا تقضى الصلاة قالت: كان يصيبنا ذلك مع رسول الله r فنؤمر بقضاء الصوم و لانؤمر بقضاء الصلاة) [181] «از عائشه سؤال کردم چرا حائض روزه را قضا می‌گیرد ولی نماز را قضا نمی‌آورد؟ عائشه گفت: زمان رسول الله r، دچار حیض می‌شدیم، به قضای روزه امر می‌شدیم ولی به قضای نماز امر نمی‌شدیم».

2- آمیزش با زنان از راه طبیعی (زایمان):

به دلیل فرموده خداوند متعال :

(وَيَسْئَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَدْنَىٰ، فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَ
لَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهُرْنَ، فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ) (بقره :
222)

«از تو درباره (آمیزش با زنان هنگام حیض) می‌پرسند بگو : زیان و ضرر است پس در حالت قاعدگی از (همبستری) با زنان کنارگیری نمایید و با ایشان نزدیکی نکنید، تا آنگاه که پاک می‌شوند، هنگامی که پاک شدند از جایی که خدا به شما فرمان داده است (و راه طبیعی زناشویی و وسیله حفظ نسل است) با آنان نزدیکی کنید».

و به دلیل فرموده پیامبر r : (إِصْنَعُوا كُلَّ شَيْءٍ إِلَّا النِّكَاحَ) [182] «هرکاری غیر از آمیزش، با آنها انجام دهید».

حکم کسی که با حائض آمیزش کند:

امام نووی رحمه الله در شرح مسلم (3/204) می‌گوید :

اگر مسلمانی معتقد به جواز آمیزش با حائض در فرجش (از راه طبیعی) باشد، کافر و مرتد می‌شود؛ و اگر کسی این کار را انجام دهد و معتقد به حلال بودن آن نباشد اگر فراموش کرد یا از وجود حیض خبر نداشت یا ندانست که حرام است یا کسی به زور او را وادار به این کار کرد، هیچ گناهی بر او نیست و کفاره هم ندارد؛ اما اگر عمداً و با آگاهی از فرارسیدن حیض و تحریم آن و با اختیار، با زن حائض آمیزش کرد مرتکب گناهی کبیره شده است، شافعی هم به کبیره بودن آن تصریح کرده است. بر او واجب است که توبه کند، و در وجوب کفاره بر او دو نظریه وجود دارد. اُھ.

می‌گویم (مؤلف) : قول راجح این است که کفاره بر او واجب است؛ به دلیل حدیث ابن عباس (رض) : پیامبر r درباره مردی که با زن حائض خود آمیزش کرده بود، فرمودند : (يَتَصَدَّقُ بِدِينَارٍ^(*) أَوْ نِصْفِ دِينَارٍ) [183] «یک یا نصف دینار صدقه دهد».

مختار بودن شخص (در پرداخت نصف دینار یا یک دینار) که در حدیث آمده به تفاوت بین اول حیض و آخر آن برمی‌گردد. به دلیل حدیث موقوفی که از ابن عباس روایت است که : (إِنْ أَصَابَهَا فِي فُورِ الدَّمِ تَصَدَّقَ بِدِينَارٍ وَإِنْ كَانَ فِي آخِرِهِ فَنِصْفِ دِينَارٍ) [184] «اگر در ابتدای حیض با او آمیزش کرد یک دینار و اگر در آخر حیض با او آمیزش کرد نصف دینار صدقه بدهد».

استحاضه:

خونی است که در غیر مدت حیض و نفاس یا در ادامه آن دو خارج می‌شود که اگر در غیر مدت حیض و نفاس باشد، واضح است، و اگر در ادامه آن دو خارج شود به صورت زیر است:

اگر زن عادت ماهیانه‌اش منظم باشد، آنچه بعد از مدت عادت خارج شود استحاضه است، چون پیامبر^۲ به أم حبیبه فرمود: (أمکثی قدرما کانت تحبسی حیضتک ثم اغتسلی و صلی) [185] «به اندازه قاعدگی ماهانهات منتظر بمان؛ سپس غسل کن و نماز بخوان».

هرچند این دو خون قابل تشخیص از هم هستند، خون حیض سیاه و شناخته شده است و غیر از این خون استحاضه به حساب می‌آید:

به دلیل فرموده پیامبر^۲ به فاطمه بنت ابي حبيش: (إذا كان دم الحي فانه أسود مروف، فأمسکی عن الصلاة، فإذا كان الآخر فتوضی فإنما هو عرق) [186]. «هرگاه خون حیض بود که آن سیاه و شناخته شده است، نماز نخوان و اگر خونی دیگر بود وضو بگیر که این بر اثر (پارگی) رگ است».

اگر زن مستحاضه‌ای بالغ شد و توانایی تشخیص دادن (خون حیض و غیر آن) را نداشت، به عادت رایج در زنان (خویشاوندش) مراجعه کند، به دلیل فرموده پیامبر^۲ به حمه بنت جحش: (إنما هذه ركضة من ركضات الشيطان فتحيضي ستة أيام أو سبعة في علم الله، ثم اغتسلي، حتى إذا رأيت أنك قد طهرت و استنقیت فصلي أربعاً و عشرین ليلة أو ثلاثاً و عشرین و أيامهن، و صومي فإن ذلك يجزيك و كذلك فأفعلی فی كل شهر، كما تحيض النساء و كما يطهرن لميقات حیضهن و طهرن) [187] «این ضربه‌ای از ضربات شیطان است، و تو شش یا هفت روز را (خدا مدت آن را می‌داند) حیض حساب کن^(*)، سپس وقتی دیدی که پاک شدی، غسل کن، بیست و چهار یا بیست و سه شبانه روز نماز بخوان و روزه بگیر، این تو را کفایت می‌کند، و در هر ماه اینچنین عمل کن، همانطور که زنان در اوقات مشخصی حیض و پاک می‌شوند».

احکام مستحاضه:

آنچه بر زن حایض حرام می‌شود بر مستحاضه حرام نیست. ولی بر زن مستحاضه واجب است که برای هر نمازی وضو بگیرد؛ به دلیل فرموده پیامبر^۲ به فاطمه بنت ابي حبيش: (ثم توضی لكل صلاة) [188]. «سپس برای هر نمازی وضو بگیر».

سنت است که زن مستحاضه برای هر نمازی غسل کند همچنانکه در غسل‌های مستحب ذکر شد.